اخبار

شهردار تهران به خانه مداحان رفت

شهردار تهران از خانه مداحان اهل بیت(ع) دیدن کرد و با محسن طاهری، مدیرعامل خانه مداحان اهل بیت(ع) و جمعی از مداحان به گفت‌وگو پرداخت و گفت: آماده‌ایم تا عطر سیدالشهدا(ع) در همه سطوح جامعه و در ابعاد مختلف بتواند فضا را عطرآگین کند.

به گزارش فارس، در ابتدای این دیدار، مرتضی طاهری رئیس هیأت‌مدیره خانه مداحان اهل بیت(ع) از افتتاح شعب شهرستانی خانه مداحان خبرداد و عنوان کرد: افتتاح شعب شهرستانی خانه مداحان، یکی از اهداف این مرکز به شمار می‌رود؛ بنابراین تا به امروز در دو شهر شمیرانات و بهشهر این افتتاح صورت گرفته و به زودی در شهریار، شهرری، اسلامشهر، زاهدان، کرمان، البرز، کرمانشاه و ... شاهد افتتاح شعب جدید خواهیم‌بود.

در ادامه علیرضا زاکانی، شهردار تهران گفت: در دوره جدید اساس حرکت شورای شهر و شهرداری تهران به سمت و سویی است که از یک نهاد خدماتی صرف به یک نهاد اجتماعی خدمتگزار تغییر جهت دهد، اگر چنین شود قطعا نوع نگاه جامعه تغییر پیدا می‌کند تا حکمرانی واحد شهری در مدار مردم و نخبگان جامعه دنبال شود. برای رسیدن به این رشد و تکامل نیازمند توجه به نهضت حسینی هستیم.

چراغ کنسرت‌های حضوری روشن می‌شود

سرپرست معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگویی با ایسنا به برنامه‌هایی اشاره کرد که برای حمایت از موسیقی در نظر دارد.

محمود شالویی گفت: چهاردهمین دوره جشنواره موسیقی نواحی در کرمان در هفته گذشته به پایان رسید که در این دوره شاهد حضور بیش از ۷۰ هنرمند موسیقی نواحی از نقاط مختلف کشور بودیم. این امر نشان می‌دهد اکنون در دوران کرونا به مرور به مقطعی می‌رسیم که چراغ کنسرت‌های حضوری موسیقی روشن و امکان حضور مخاطبان فراهم می‌شود.

این مقام مسؤول ادامه داد: امیدواریم با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی و واکسیناسیونی که به صورت عمومی و پرشتاب انجام می‌گیرد، به زودی شاهد برگزاری کنسرت‌های زنده باشیم.

شالویی در پاسخ به این پرسش که برگزاری کنسرت در سالن‌هایی که با هدف تمرین و ضبط ساخته می‌شوند، با نقدهایی روبه‌رو می‌شده است، با توجه به این مسائل چه تدابیری برای ساخت سالن‌های مناسب برای برگزاری کنسرت در نظر گرفته شده، پاسخ داد: سالن «دهلوی» که افتتاح شد، یکی از ابتکارات مهمی است که دولت برای تکمیل و انجام آن اصرار و اهتمام داشته است. سیاست دولت این است که بتواند توزیع مناسب و عادلانه امکانات فرهنگی و هنری را در سراسر کشور داشته‌باشد.

او در پایان ابراز امیدواری کرد بتوانند متناسب با نیاز جامعه و به اندازه مقدورات بودجه‌ای و حمایت‌هایی که خوشبختانه در دستور کار دولت قرار گرفته، تجهیزات موثر و کافی را برای برگزاری کنسرت‌ها و تجهیز سالن‌ها فراهم کنند و افزود: اتفاقا آقای رئیس‌جمهور نیز فرموده‌اند مسائل فرهنگی جزو اولویت‌های ما است و آن را در کنار معیشت و اشتغال مردم جزو اولویت‌ها می‌دانیم.

چاپ پنجاهم «الهی‌نامه» علامه حسن‌زاده‌آملی

در آستانه چهلمین روز ارتحال علامه حسن حسن‌زاده‌آملی، کتاب «الهی‌نامه» این عالم ربانی در ۶۰ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب برای پنجاهمین‌بار به چاپ رسید. استاد آیت‌ا... حسن‌زاده‌آملی در این اثر که یادآور سخنان و سوزهای خواجه عبدا... انصاری است. از لطیف‌ترین احساس‌های خویش - و به تعبیری تجربه‌های درونی - در قالب الفاظی متین، استوار و نغز و جاندار سخن می‌گوید.

علی صادقی «قرچ قوروچ» را منتشر می‌کند

بهنام ناصری، مدیر برنامه‌های علی صادقی در گفت‌وگو با مهر از انتشار اولین آلبوم این بازیگر در قالب یک اثر بی‌کلام به اسم «قرچ قوروچ» خبر داد و گفت: این آلبوم دربرگیرنده فصل جدیدی از فعالیت‌های علی صادقی در مقام آهنگساز و تنظیم‌کننده است. حضور در یک اثر بی‌کلام خود نشان‌دهنده این است که علی صادقی برای خواننده‌شدن و کسب شهرت در این راه گام برنداشته و آنچه مهم بوده دغدغه‌های موسیقایی‌اش بوده است.

بازی «امیر جدیدی» در «قهرمان» تحسین منتقدان را برانگیخته است

«قهرمان» با خودش چند ـ چند است؟

اگر هنوز فیلم تازه اصغر فرهادی را ندیده‌اید، این گزارش را نخوانید

علی رستگار

سینما

«قهرمان» تازه‌ترین ساخته اصغر فرهادی، بهترین فیلم کارگردانش نیست و حی شاید تردیدهایی درباره موج ستایش آمیز اخیر درباره آن هم وجود داشته باشد، اما قطعا فیلم مهم و قابل بحثی است هم در کارنامه خود فیلمساز و هم در سینمای ایران و به‌ویژه در نسبت و پیوندهایش با جامعه امروز. ممکن است برخی دلداده سینمای فرهادی نباشند، اما نمی‌شود اهمیت او را به‌عنوان یک سینماگر کاربلد، معتبر و پرآوازه در جهان نادیده گرفت. فرهادی از معدود فیلمسازان شناخته شده سینمای جهان در این سال‌هاست که مخاطبان همواره منتظر فیلم‌های تازه آنها هستند. نویسنده و کارگردانی که سطح، استاندارد و کیفیت مشخصی دارد که از آن پایین‌تر نمی‌آید و فارغ از بعضی نقدها، اغلب علاقه‌مندان را ناامید و سرخورده نمی‌کند. این اتفاق برای قهرمان هم افتاده و آن کنجکاوی و عطش موردنظر که با تعریف و تمجیدها در جشنواره اخیر کن بیشتر هم شد، پاسخ مناسبی یافت و بیشتر واکنش‌ها در این چند روز اولیه اکران، ستایش آمیز بوده است. در چنین شرایطی و جو سراسر تمجید درباره فیلم، هرگونه نقد منفی و نگاه دگرگون به اثر به‌عنوان نواختن ساز مخالف و جبهه گیری علیه قهرمان شناخته می‌شود و از نویسنده به عنوان ضدقهرمان یاد می‌کنند. نقد و بررسی منصفانه و دقیق فیلم تازه فرهادی، نیاز به اندکی گذشت زمان و عبور از این هیجانات اولیه دارد. هرچند انتخاب فیلم به‌عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۲، کماکان شعله التهاب و هیجان ماجرا را حفظ می‌کند و حتی به آن می‌افزاید. عجالتا برویم ببینیم، قهرمان فرهادی با خودش و با ما چند ـ چند است و چقدر این قهرمانی و ایستادن روی سکوی رضایت و ستایش تماشاگران برازنده آن به نظر می‌رسد.

برگ‌های برنده قهرمان

مهم بودن قهرمان بیش از هر چیز ریشه در اهمیت خود فرهادی به‌عنوان یکی از فیلمسازان معتبر سال‌های اخیر و تاریخ سینمای ایران دارد که دارای مقبولیت و محبوبیت جهانی هم هست. مواجهه دراماتیک فرهادی با طبقه متوسط جامعه امروز ایران که شمولیت و مابه ازاهای جهانی هم دارد به مشخصه و هویت سینمایی او تبدیل شده و تسلطش بر فیلمنامه، کارگردانی و قدرتش در ترسیم فضای رئالیستی، پیشینه و عقبه قابل اعتنایی برایش ساخته که قهرمان را حتی پیش از تماشا برای مخاطبان مهم و کنجکاوی برانگیز می‌کند. درواقع اهمیت گام اول قهرمان، متأثر از یک فیلمساز مؤلف و آشناست.

دلیل دیگر اهمیت فیلم تازه فرهادی، دستمایه‌های آن است و بحث فشار اقتصادی و تنگناهای مالی که از ملموس‌ترین، آشناترین و شایع‌ترین مشکلات و مسائل این سال‌ها و این روزهای ایران است، موجبات همراهی و همدلی بیشتر فیلم را با اثر و قهرمان آن فراهم می‌کند و تأثیرگذاری آن را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد.

قهرمان به لحاظ اهمیت، جذابیت و چه بسا ارزش‌های سینمایی در جایگاه پایین‌تری نسبت به جدایی نادر از سیمین و درباره الی و چهارشنبه سوری قرار می‌گیرد و در بعضی بخش‌ها فاصله‌هایی با این آثار دارد اما به لحاظ فیلم زمانه و به روز بودن، بهترین فیلمی بود که فرهادی می‌توانست در این سال بسازد. عدم ثبات اقتصادی و شغلی و معیشتی به بهترین و پیچیده‌ترین شکل ممکن در قصه قهرمان و وضعیت رحیم سلطانی (امیرجدیدی) متبلور می‌شود. این هوشمندی و زمان‌سنجی درست فرهادی است که آن تم و درونمایه تقریبا همیشگی و چه بسا کلیشه‌ای آثارش یعنی قضاوت دیگران درباره شخصیت اصلی‌اش را در قالب یک پس‌زمینه اقتصادی روایت می‌کند. اگر مثلا رحیم درگیر یک ماجرای قتل یا خیانت در زندگی مشترک می‌شد، شاید پیوندی این‌قدر مهم و تاثیرگذار با زمانه امروز و این روزها نمی‌یافت اما بحث زندانی شدن به‌علت بدهی ۱۵۰ میلیون تومانی و باتوجه به قرارگرفتن در طبقه‌ای فرودست، وجه دراماتیک، تأثیرگذار، غمخواری و دلسوزی مخاطب را بیشتر می‌کند.

به‌جز اهمیت قهرمان در سینمای خود فرهادی به لحاظ زمان سنجی و موقعیت شناسی، این فیلم مهم‌ترین اثر سینمای کرونا زده ایران در این دو سال هم به شمار می‌آید و فاصله بعیدی با فیلم‌های بنجلی دارد که باری به هر جهت، بی‌هیچ جذابیت، اثرگذاری و حرف مهمی ساخته می‌شوند و هرکدام به سهم خود و با همدستی یکدیگر، آبروی سینمای ایران را می‌برند. در چنین وضعیتی، فرهادی با نوشتن و کارگردانی قهرمان، درس فیلمسازی هم به نویسندگان و کارگردانان ضعیف و خامدست می‌دهد.

قهرمان بی‌تردید بدون امیر جدیدی، چیزی اساسی کم داشت و بازی درست و همدلی برانگیز اوست که مخاطب را تا پایان با فیلم همراه می‌کند. درباره لهجه جدیدی باید اهالی شیراز نظر دقیق و کارشناسانه بدهند اما به نظر می‌رسد این بازیگر دست‌کم در لحن و حس و حال توانسته نقش فردی اهل شیراز را به‌درستی درک و اجرا کند. صدای بم و لحن لاتی و داش‌مشدی‌وار هم اینجا به صدای زیر و مظلومانه‌ای تغییر جهت داده و موقعیت پیچیده شخصیت را به‌خوبی نشان می‌دهد. قطعا هدایت و کارگردانی فرهادی، نقش بسیار موثری در این تغییر پرسونا و شمایل داشته و یکی از اصلی‌ترین دلایل درخشش تازه جدیدی است.

قهرمان به لحاظ اهمیت، جذابیت و چه بسا ارزش‌های سینمایی در جایگاه پایین‌تری نسبت به جدایی نادر از سیمین و درباره الی و چهارشنبه سوری قرار می‌گیرد و در بعضی بخش‌ها فاصله‌هایی با این آثار دارد اما به لحاظ فیلم زمانه و به روز بودن، بهترین فیلمی بود که فرهادی می‌توانست در این سال بسازد

پاشنه‌آشیل‌های قهرمان

اولین تصویری که مدت‌ها قبل و در آستانه نمایش فیلم در جشنواره کن منتشر شد، تصویری از امیر جدیدی بود که دست پسری را گرفته و از خیابان رد می‌شوند. التهابی که خود این عکس داشت، در خود فیلم وجود ندارد، به‌ویژه همین لحظه که می‌بینیم صرفا یک عبور ساده پدر - پسری از خیابان است. شاید یکی از دلایل جذابیت کمتر قهرمان نسبت به فیلم‌های اوج کارنامه فرهادی، همین التهاب و هیجان کمتر باشد. قهرمان البته در ساحت و حد و اندازه خودش و به‌خصوص در ایران امروز، درست و به‌قاعده به نظر می‌رسد اما فاقد آن التهاب و هیجان جدایی نادر از سیمین، درباره الی، چهارشنبه‌سوری و حتی فروشنده است. هرچند نباید موقعیت رحیم را صرفا با مباحث و گرفتاری مالی و اقتصادی سنجید و با شخصیت پیچیده‌تری روبه‌رو هستیم که تاوان ساده‌دلی، پاکدستی و میل به قهرمانی و شهرت‌طلبی نصفه‌نیمه‌اش و خرده‌اشتباه‌های ناگزیرش را می‌دهد اما پایه و اساس گرفتاری او ریشه اقتصادی دارد که در مقایسه با چالش‌ها و موقعیت‌های پیچیده‌تر و ملتهب‌تر شخصیت‌هایی مثل عماد فروشنده و الی و سپیده در درباره الی و ترمه در جدایی نادر از سیمین و مژده در چهارشنبه‌سوری، حرف چندان زیادی برای گفتن ندارد. اگر کمی با فاصله به قصه نگاه کنیم و اندکی بی‌رحمی و بی‌انصافی را هم چاشنی‌اش کنیم، مهم‌ترین مشکل رحیم، بدهکاری مالی‌اش و تحمل مجازات حبس است.

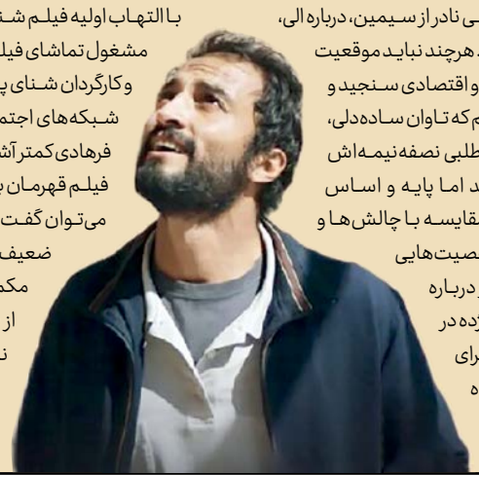

نکته دیگر این‌که اگرچه بحث اشاره به اثرات منفی و مخرب و تهدیدکننده فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نقش به‌سزایی در امروزی‌بودن و همگام با جامعه بودن فیلم قهرمان دارد اما فرهادی احتمالا به اقتضای سن‌وسال و دور بودن از فضای مجازی، چندان این تهدید را ملموس و باورپذیر از کار درنمی‌آورد و موقعیت ملتهب قصه در این زمینه، چندان باورپذیر نیست. یعنی ما تنها از طریق دیالوگ‌ها متوجه این تهدید پخش فیلم درگیری در اینترنت می‌شویم و این التهاب از طریق تصویر به ما منتقل نمی‌شود. مقایسه کنید با التهاب اولیه فیلم شنای پروانه و چند پلان از مردمی که در سطح شهر مشغول تماشای فیلم لو رفته پروانه در استخر هستند؛ جوانی نویسنده و کارگردان شنای پروانه و شناخت بیشترش از فضای مجازی و قدرت شبکه‌های اجتماعی، التهاب اینترنتی مورد نظر را خیلی بهتر از فرهادی کمتر آشنا به فضای مجازی، به مخاطب منتقل می‌کند.

فیلم قهرمان به شکل عجیبی، بازی‌های یکدستی ندارد و حتی می‌توان گفت از نظر ترکیب و کیفیت بازی بازیگران، جزو آثار ضعیف فرهادی است. برخی بازیگران ناشناس نقش‌های مکمل و فرعی و کوتاه خوب نیستند و حتی بعضی از سرشناس‌ها هم توقعات را در بازیگری فراهم نمی‌کنند. مشخصا سارینا فرهادی و فرشته صدرعرفایی که منتظر بازی‌های ویژه و تاثیرگذاری از آنها بودیم اما متاسفانه قهرمان جزو بازی‌های خوب کارنامه این دو بازیگر نیست. محسن تنابنده هم در نقش بهرام اگرچه گریم خوبی دارد و مثل همیشه استادی‌اش را در لهجه‌های مختلف به رخ می‌کشد و حتی بازی درست و به‌اندازه‌ای دارد اما توقع نقش جذاب‌تری از او می‌رفت و تقابل دراماتیکش با قهرمان داستان، می‌توانست عمیق و چالشی و جذاب‌تر باشد. شاید ایراد اصلی در این کم‌جلوه بودن نقش بهرام و برخی دیگر از نقش‌های فیلم، تمرکز کامل فرهادی روی شخصیت رحیم باشد. با این‌که این مراقبت و هدایت به‌خوبی جواب داده و چه‌بسا همراهی و همدلی بیشتر تماشاگران را به همراه داشته اما کاش این وسواس و دقت درباره دیگر شخصیت‌ها در متن فیلمنامه و انتخاب و کیفیت بازیگران در نقش‌های دیگر هم وجود داشت تا قهرمان همه‌جوره شایسته قهرمانی در ساختار و کیفیت باشد. دیگر این‌که فرهادی با وجود سابقه کار در تلویزیون و مواجهه‌اش با رسانه‌ها و مطبوعات در همه این سال‌ها، باید خیلی بهتر از این‌ها فضای رسانه‌ای را به تصویر می‌کشید اما کیفیت و جذابیت این سکانس‌ها، عجیب و غیرمنتظره است و اگر نام فرهادی در تیتراژ نبود، شک می‌کردیم در این لحظات با فیلمی از این فیلمساز معتبر روبه‌رو هستیم.

کنایه‌ها و اشارات سیاسی فرهادی در قهرمان همچون تیغ دودم عمل می‌کنند، هرچقدر اینها می‌توانند دل برخی تماشاگران را خنک کنند و حکم نوعی عقده‌گشایی اجتماعی در قالب سینما را داشته باشد اما از زاویه‌ای هم می‌تواند کمی گل درشت جلوه کند. به نظر می‌رسد قهرمان حتی بدون این اندک هم کارش را با همان ارجاعات تاریخی و حضور رحیم در نقش رستم و بعد دربه‌دری‌اش در شهر و جامعه‌ای که نشانی از آن عظمت و ابهت ندارد، راه می‌انداخت.

قهرمان، حرکت در سطح

افشین علیار

منتقد سینما

این را که اصغر فرهادی فیلمساز خوبی است و این‌که فیلم‌های او در جهان مطرح است کاملا قبول دارم و نمی‌توانم در این مسأله شکی داشته باشم اما باید هر اثر فیلمساز را با مختصات خودش تحلیل کرد. مقیاس کارکرد تجربیات فیلمساز در کارنامه هنری‌اش در آثار قبلی می‌تواند محک مناسبی در تحلیل اثر جدید فیلمساز باشد. اگر این موارد در دیدن فیلم جدید یک فیلمساز در نظر گرفته شود دیگر ذوق‌زدگی کاذب برای مطرح بودن آن فیلم در محافل یا جشنواره‌های خارجی برای کارشناس فیلم اهمیت پیدا نمی‌کند. معتقدم در سینمای حال حاضر ایران در دهه ۹۰ حتی ۸۰ کارگردانی مانند فرهادی نداشتیم، کسی که اسیر سیاست‌های لقمه‌شده نمی‌شود و تنها می‌خواهد فیلم بسازد؛ فیلمی با عناصری که به او جواب داده شده است. به‌طور مثال برای نگارنده همچنان فیلم «درباره الی» نسبت به هشت اثر دیگر فرهادی ارجحیت دارد. «قهرمان» جدیدترین اثر او نمی‌تواند برای مخاطب جدی سینما اثری در حد و اندازه سینمای فرهادی باشد. قهرمان دچار مضمون‌زدگی شدیدی شده است و این مضامین که برای فرهادی است فقط تکرار شده نه تاکید! بسترسازی قصه در قهرمان توام با عناصری شده که از فیلم‌های گذشته او به‌خصوص شهرزیبا می‌آید. قهرمان فیلم جامعه است؛ جامعه‌ای نه فقط به اندازه ایران بلکه در حد هر گوشه‌ای از جهان اما نکته مهم این است که فرهادی تا کجا می‌خواهد با انسانیت و دروغ و پنهان‌کاری قصه‌اش را جلو ببرد؟ اساسا انگیزه فرهادی برای پیشبرد قصه‌اش بازی با شکل صورت‌مسأله است اما در متن و بافت قصه تفاوتی حاصل نمی‌شود یعنی رحیم قهرمان فیلم همان عماد فروشنده یا همان احمد گذشته یا نادر فیلم جدایی است. فرهادی تنها شخصیت‌هایش را در تنگناهای عجیب رها می‌کند و در قهرمان رحیم با چهره معصومش دچار تعلیق رفتاری می‌شود و نمی‌داند برای این‌که آن کیف را به صاحبش رسانده کار درستی کرده یا نه. فرهادی در قهرمان تنزل انسانیت و جایگاه انسانی را به نقد می‌کشاند اما به‌نظرم این نقد در فروشنده جواب بهتری داشت. گره‌افکنی که در قهرمان شکل می‌گیرد قابل قیاس به شکل نویسندگی فرهادی نیست به‌طوری‌که در قهرمان تمامی موقعیت‌ها قابل پیش‌بینی و سوال‌های مکرر ایجاد می‌شود که چرا خواهر رحیم زمانی که سکه‌ها را به آن زن می‌دهد رسید نمی‌گیرد؟ یا چرا با ناپدید شدن آن زن، رحیم اصرار به کار کردن در ارگان دولتی دارد که باید فرخنده را جای آن زن جا بزند؟ صاحب اصلی سکه‌ها کیست؟ آیا آن زن واقعا صاحب سکه‌ها بوده اما گوشی نداشته و تلاش کرده یک سکه بفروشد تا بتواند گوشی بخرد؟ مسؤولان زندان برای پیدا شدن صاحب سکه‌ها واکاوی نمی‌کنند و رسانه‌ها با صاحب سکه مصاحبه‌ای ندارند! این همه سهل‌انگاری در ایجاد یک موقعیت مگر می‌شود؟ این اتفاقات تعلیق نیست بلکه یک ساده‌انگاری از جانب فرهادی نسبت به گسستگی جامعه‌اش است که در قهرمان جواب نمی‌دهد. رحیم در رسانه چهره شده است چطور خیری پیدا نمی‌شود به او کار بدهد یا مبلغ بدهی‌اش را بدهد تا او آزاد شود؟ این اتفاقات رخ نمی‌دهد چراکه فرهادی می‌خواهد رحیم را از عرش به فرش برساند که پیام اخلاقی باشد برای جامعه اما فیلمساز در نیمه دوم رحیم را فراموش می‌کند و حالا چیزهای دیگری برای او مهم است مثل سوءاستفاده آن مأمور زندان یا آن شخصی که باید دیه‌اش پرداخت شود تا اعدام نشود! یا نحوه استفاده از فضای مجازی! فرهادی قهرمان‌سازی را تعمیم به آدم‌های اجتماع می‌دهد وگرنه رحیم شکل و شمایل یا میل به قهرمان شدن ندارد. معتقدم اگر نام فرهادی از تیتراژ برداشته شود اتفاقی برای فیلم رخ نمی‌دهد چراکه توقع از او چنان بالا رفته است که حرکت قصه در سطح و کارگردانی‌اش در طول نمی‌تواند برای علاقه‌مندان او متقاعدکننده باشد. در بهوت محتوایی و فرمی سینمای ایران، همین کافی است که قهرمان می‌شود شاهکار اما قهرمان نه شاهکار است نه فیلم بد. قهرمان فیلمی است نه به اندازه هوشمندی اصغر فرهادی.

علیه کرونا

با این‌که کمدی دینامیت با فداکاری، جور سینمای کرونازده ایران را در گیشه کشید و در این شرایط به فروش خوبی هم دست یافت اما قطعا این فیلم قهرمان است که تکانی اساسی به گیشه داده و بعد از مدت‌ها مردم را به سالن‌های سینما کشانده است. استقبال بالای تماشاگران از این فیلم در همین روزهای اول و رسیدن قهرمان به سئانس‌های فوق‌العاده در شهرهای مختلف، حال سینما را خوب کرده و می‌تواند فضا را برای اقبال مخاطبان به دیگر فیلم‌های اکران هم آماده کند. به جز اهمیت قهرمان در اکران داخلی، حضور فیلم فرهادی به‌عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۲ - فارغ از برخی مخالفت‌ها و تردید در شایستگی این انتخاب - و موفقیت احتمالی آن هم می‌تواند نقش مهمی در توجه بیشتر جهان به سینمای کشور داشته باشد.